

بازداشت در مدینه به خاطر غزه

روحانی مهدی از ماجرای دستگیری خود در عربستان، در ایام حج امسال می‌گوید



عکس: بهمن‌نشدانه / افکار

«روز سومی که در مدینه بودیم، حاشیه حرم حضرت رسول اکرم (ص)، یک نفر از پشت روی شانه من زد و گفت باید با ما بیایی و این داستان پیش آمد. من را بازداشت کردند. بعد هم مترجمی را آوردند که یکی از کلیپ‌های من را به دروغ و علیه عربستان ترجمه کرد و تا صحت موضوع را ثابت کردیم، نوزده روز طول کشید و این نوزده روز را در بازداشت بودم». این جملات را

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدکاظم روح‌بخش می‌گوید؛ همان روحانی جوان مشهودی و فعال فضای مجازی که در ایام حج تمتع امسال، روایت سفرش را در قالب بیست‌واستوری با دنبال کنندگانش به اشتراک می‌گذاشت و لایه‌لای آن‌ها هم با انتشار استوری‌هایی تلاش می‌کرد صدای مردم مظلوم غزه و فلسطین باشد اما همین مسئله کار دستش داد و کارش به بازداشت و حبس رسید و روایت سفرش هم ناتمام ماند. او که چند روز قبل، خبر آزادی‌اش رسید و حالا چند روزی است که سرانجام به وطن بازگشته است، این روزها سرش حسایی شلوغ است و میهمان محافل مختلف تا راوی دستگیری و ماجراهایش در عربستان باشد. ما هم پای صحبت‌هایش نشستیم تا روایت چندو چون بازداشت و حبسش را از زبان خودش بشنویم.



روزنامه‌نگار زنده‌ماراوند

از ابتدای ماجرا برآیامان بگویند؟ چه شد که شما در عربستان، آن‌هم در ایام حج تمتع دستگیر شدید؟

حواشی ایجاد شده در عربستان، بیشتر به خاطر منتشر شدن عکس و فیلم‌های من در فضای مجازی بود که سبب شد مرا رصد بکنند. خاطرم هست روزهای آخری که در مکه بودیم، یک پلیس عربستان مرا در هتل دید که لباس سعودی پوشیده و شال سفیدی را سرم انداخته بودم. نزدیک آمد و گفت می‌خواهم از شما عکس بگیرم. گفتیم چرا؟ معطل جواب نماند، عکس گرفت و رفت. بعد هم وقتی وارد مدینه شدیم، روز دوم ساعت یک ربع به ۵ صبح، در اتاق ما را در هتل زدند و گفتند سیدکاظم؟ گفتیم: بله. گفتند بیا پایین در لابی. وقتی لباس پوشیدم و رفتم پایین، دیدم دو نفر با دوشادشه سفید، چپ‌چپ به من نگاه می‌کنند. بعد نزدیک آمدند و بدون گفتن چیزی عکس گرفتند و رفتند. من علت این عکس گرفتن‌ها را نمی‌دانستم اما روز سومی که در مدینه بودیم، حاشیه حرم حضرت رسول اکرم (ص)، یک نفر از پشت، روی شانه من زد و گفت باید با ما بیایی و این داستان پیش آمد و مرا بازداشت کردند. بعد هم مترجمی را آوردند که یکی از کلیپ‌های من را به دروغ و علیه عربستان ترجمه کرد که تا وقتی توانستیم صحت موضوع را ثابت کنیم، نوزده روز طول کشید و این نوزده روز را در بازداشت بودم.

جرم شما چه بود که در آن ایام خاص به آن شکل بازداشت شدید؟

جرم من در عربستان، حمایت از مظلومان فلسطین و غزه بود. درحقیقت تأکید در عربستان این است که نباید هیچ حرفی درباره فلسطین بزنی و هیچ کاری هم نباید به اسرائیل، جنایات آمریکا و شرایط منطقه داشته باشید، بلکه باید فقط طواف را انجام دهید و عبادت و زیارت‌تان را بکنید و اصلاً با دنیای سیاست، نباید کاری داشته باشید. این موضوع در دو سطح شکل می‌گیرد؛ یکی مقامات عالی‌رتبه عربستان سعودی که کاملاً روشن است چرا امر می‌کنند شما وارد مسائل اسرائیل و فلسطین نشوید و دوم، عموم شرطه‌ها یا نیروی نظامی آن‌هاست که می‌گویند «چرا این مسائل را قاتی زیارت و عبادت می‌کنید؟ بروید به زیارت حضرت رسول (ص). چه کاری با دعوای این دنیا و سیاست ... دارید؟».

در اینجا دو اعتقاد مطرح است؛ یکی اینکه تمام این مسائل را خداوند متعال رقم زده است و شما بروید دعا کنید خدا مسائل را حل کند؛ یعنی خود خدا کودکان غزه را انجاث بدهد. اعتقاد دوم این است که

درکنار دعا، ما باید یک اقدامی هم خودمان انجام دهیم؛ زیرا در قرآن کریم آمده است که خداوند سرنوشت هیچ قومی را رقم نمی‌زند، مگر به وسیله خودشان، پس اگر فقط دعا کنند و فعالیتی در راستای آن انجام ندهند، شدنی نیست. امام رضا^(ع) نیز می‌فرمایند اگر تو دعا بکنی ولی خودت حرکتی نکنی، خودت را مسخره کرده‌ای. این اعتقاد دوم، اعتقاد شیعیان و بخشی از اهل تسنن است.

این درحالی است که عربستان می‌گوید تو هیچ کاری به فلسطین نداشته باش! بنابراین نه تنها من سیدکاظم روح‌بخش، بلکه بعضی افراد دیگر نیز در منا و جاهای مختلف عربستان به همین دلیل دستگیر شدند که هنوز هم درگیر هستند؛ چون آن‌ها حتی تاب شنیدن نام فلسطین را هم ندارند؛ برای مثال همین الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، آقای خزاعی، یکی از کسانی که در این قضیه خوب ظاهر شدند، نیز به خاطر همین مسائل دستگیر شده است. این را هم بگویم که دستگیری افراد غیرایرانی بیشتر به دلیل مسائل اقامتی، پاسپورت و ... است. اما دلایل دستگیری بیشتر ایرانیان، همین روحیه انقلابی است که نمی‌توانند در برابر اتفاقات فلسطین بی تفاوت باشند و غیرت نشان می‌دهند.

این حساسیت فقط درباره مسائل مرتبط با فلسطین و غزه وجود دارد؟

نه؛ آن‌ها با جریان مقاومت و شهادت هم مبارزه می‌کنند. ببینید، این حس خیلی بدی است وقتی آدم به طواف خانه خدا برود و ببیند ۳۰۲ میلیون انسان از جای جای جهان دور خانه خدا باشند و سکوت سنگینی بر آن فضا حاکم باشد و حرفی از مظلومیت و مظلومان زده نشود. شاید برایتان عجیب باشد که بگویم اگر کسی عکس یا پیکسلی دستش بگیرد که منقش به بیت المقدس یا پرچم فلسطین باشد و آن را بالا بگیرد و بخواهد از آن عکس بگیرد، به زندان می‌رود و باید بازجویی شود. علاوه بر این، در هتل‌های ایرانی عربستان، نباید عکس بیت المقدس یا عکس حاج قاسم باشد؛ چون حاج قاسم محور مقاومت است، نباید عکسش در هتل‌های ایرانی نصب شود، حتی گفتند در هتل ما عکس شهید رئیسی را هم که در لابی هتل بود، باید بردارید. من بعداً متوجه شدم کلاً هر که شهید می‌شود، نباید عکسش باشد. یعنی این‌ها با جریان شهادت هم مبارزه می‌کنند.

شاید جالب باشد بگویم که یکی از عزیزان را در همین سفر به این دلیل دستگیر کردند که در حاشیه بقیع، عکس پدر مرحومش را در یک گوشی رو به بقیع گرفته بود تا از گوشی دیگری به یاد آن مرحوم عکس بگیرد و آن لحظه را به عنوان یادگاری ثبت کند اما آن‌ها به این گمان که آن عکس مربوط به شهیدی از مدافعان حرم است، وی را بازداشت کردند. این بنده خدا هم برای آنکه ثابت کند عکس مربوط به پدر مرحومش است که حتی شهید هم نشده است، مدتی طول کشید.

از ماجرای دستگیری‌تان بگویند، چطور با شما برخورد کردند؟

همان ابتدای دستگیری، پاهای مرا با زنجیر بستند. این کار برای من که در فضای مجازی تولید محتوا می‌کنم و با هزاران مخاطب سروکار دارم، واقعاً حس بدی داشت. دیدن چنین شرایطی، سنگین و برخورد به؛ به خصوص که موقع راه رفتن باید قدم‌ها را کوتاه برمی‌داشتم. اگر قدم‌ها را بلند برمی‌داشتم، پاهایم گیر می‌کرد و قفل می‌شد و زنجیرها، قوزک پایم را آزار می‌داد و ضربه می‌زد. این برخوردها عورت زائر را زیر سؤال می‌برد، با این حال تنها چیزی که من را آرام می‌کرد، این بود که می‌گفتم خدایا ما هر چه هم که باشیم، یک سر سوزن مصیبت موسی بن جعفر^(ع) را نچشیده‌ایم.

در مدت زمان بازداشت، توهین یا برخوردهای دیگری مشاهده کردید که با تکریم زائر در تضاد باشد؟

در عربستان کیفیت زندان‌ها بهتر از بازداشتگاه‌هاست؛ ما در بازداشتگاهی بودیم که در آن از داشتن قلم و کاغذ و تلویزیون و کتابخانه و حتی فضای باز هم محروم بودیم، حتی به کتاب دعا هم دسترسی نداشتیم. زمانی هم که قلم و کاغذ خواستم برای اینکه خودم را کمی سرگرم کنم، ندادند. تنها کتاب موجود در بازداشتگاه، قرآن بود که با آن مانوس بودم. بازداشتگاه هم اتاقی بود که کف آن سرامیک شده بود. فقط یک پتو به من دادند که باید یک طرف آن را زیر خود می‌گذاشتم و نصفه دیگر را برای خواب به عنوان رواندا استفاده می‌کردم. این اتاق حتی یک پنجره هم نداشت و نور روز را نمی‌دیدم. تنها چراغ‌های مهتابی داشت که تمام ساعات روشن بود. اما تنها انیس و مؤمن من در آن روزها و در آن فضا، قرآن و نمازهای قضا و مستحبی بود. آنجا حاجاجی از سایر کشورها نظیر پاکستان و یمن و ... نیز حضور داشتند که زنجیر کردن پای آن‌ها به عنوان زائر و در آن شرایط، دور از شأن زائران خانه خدا بود.

باید بگویم آنجا نه تنها از احترام خبری نبود، بلکه هر ساعتی از شبانه‌روز که می‌خواستند، بدون هیچ ملاحظه‌ای برای بازجویی با فریاد ما را صدا می‌کردند. حتی یک بار مرا ساعت ۲ نیمه شب به همین شیوه با عبارت «ایرانی بیرون بیا» بردند که حرکت خیلی زشتی بود. در تمام مدت سعی می‌کردند عزت ما را پایمال کنند، درحالی‌که ما ایرانیان به زائران علی بن موسی الرضا^(ع) نگاه تکریم و احترام‌آمیز داریم. حتی در عراق نیز زائران امام حسین^(ع) و زائران علی بن ابیطالب^(ع) تکریم می‌شوند.

به عنوان یک فعال رسانه‌ای، وضعیت عربستان را از منظر آزادی بیان، چطور ارزیابی می‌کنید؟

در عربستان شما حتی بی‌آزادی بیان هم به مشامتان نمی‌خورد؛ برای مثال بگویم که با یک فرد یمنی هم صحبت شده، درحالی‌که با چند نفر دیگر دور هم نشسته‌ایم. این واقعاً مربوط به روزهای پنجم و ششم زندانی شدن من بود. در آن جمع گفتیم ایرانی‌ها، یمنی‌ها را دست دارند و دست و پا شکسته به عربی گفتیم که یمنی‌ها افراد شجاعی هستند، اما به محض گفتن همین چند کلمه، پنج‌شش نفر سریع برخاستند و از جمع ما دور شدند؛ زیرا آن فضای بازداشتگاه، مجهز به دوربین مدار بسته و میکروفون بود. حتی آن فرد یمنی هم

به من گفت «این حرف‌ها را نزن؛ اینجا عربستان است!». این درحالی بود که من از موشک و نفتکش و ... حرف نزدم؛ فقط گفتم یمنی‌ها افراد شجاعی هستند، همین.

نمونه دیگر این بود که با یک فرد سعودی که به دلیل مشکلاتی با خانواده خودش در این بازداشتگاه بود، دوست شدم. آدم بدی نبود. او به من گفت: «دیدی چه جمعیت زیادی برای طواف از جای جای جهان به مکه آمده بودند؟». در جوابش گفتم: حتماً ربعین به عراق و کربلا رفته‌ای و آن جمعیت بیست میلیون را دیده‌ای؟ تا این جملات را گفتم، با چشمک گفت: «آدمه نده! من امیرالمؤمنین^(ع) و خانواده پیامبر^(ص) را دوست دارم اما اینجا نباید از حسین^(ع) و اربعین و کربلا بگویم». این گفته‌هایش نشان می‌داد از داستان اربعین و آن حجم بی‌نظیر زائر باخبر است.

من از این می‌سوختم که عربستان، شبکه اینترنتش را حمایت می‌کند تا به جوان‌های دختر و پسر ما نوید آزادی زنان و آزادی بیان بدهد اما در کشور خودش آزادی بیان ذره‌ای معنا ندارد و هیچ فردی نمی‌تواند به این مسئله اعتراض کند؛ زیرا حکومت دست‌خندان سعودی است.

یکی از دغدغه‌های من، موضوع انتخابات بود. در مدت بازداشت هم درگیر آن بودم که مشارکت گسترده باشد و اینکه چه کسی رأی می‌آورد و ... در همان حال یکی از همین عرب‌ها به من گفت: «خیلی راه می‌روی و فکر می‌کنی، موضوع چیست؟». اگر من در جواب او می‌گفتم درگیر نتیجه انتخابات ایران هستم، شاید درک نمی‌کرد که از چه حرف می‌زنم؛ چون آن‌ها چیزی به اسم انتخابات ندارند! یک شاه از دنیا می‌رود و شاهزاده دیگری جای او می‌نشیند. مردم در سیاست دخیل نیستند و این خاندان سعودی است که تصمیم می‌گیرد چه کسی امیر ریاض و چه کسی امیر مدینه و ... باشد.

اگر به عقب برگردید باز هم همان راه را می‌روید؟

عموی بزرگ ما شهید انقلاب است که در هفده سالگی، دقیقاً دو ماه قبل از پیروزی انقلاب، دی ماه سال ۵۷، در میدان شهدای مشهد با شلیک مستقیم گلوله به شهادت رسید. ما خانواده شهید هستیم و همه عموها و پدرم نیز روحانی و طلبه هستند. خانواده ما خیلی مصمم به امر تبلیغ هستند و وظیفه خودمان می‌دانیم در هر شرایطی که هستیم، چه حج باشد، چه زیارت کربلا، چه هرجای دیگری، این مهم را به سرانجام برسانیم. حتی اگر در این راه، سختی هم بسیار باشد و چند روزی بازداشت و حبس و بازجویی را به دنبال داشته باشد، ارزشش را دارد. باطمینان می‌گویم اگر به گذشته برگردم، قطعاً باز هم همین راه را انتخاب می‌کنم؛ چون صدها هزار نفر در این سفر با ما همراه بودند و برکت فریاد زدن صدای مظلومان ارزش هر سختی را دارد.

از خداوند خواسته‌ام که به زودی زود، مسجد الحرام محلی برای فریاد زدن و دادخواهی و مبارزه با ظلم جهانی و مبارزه با ظالمانی باشد که علیه اسلام کار می‌کنند. مظلوم یک بار فلسطین است، یک بار لبنان، یک بار عراق، یک بار ایران و خلاصه هرجایی که ظلمی در دنیا به آن می‌شود.

این ظرفیت به شدت قوی که در ایام مناسک حج در مسجد الحرام وجود دارد و حضور پرشمار حجاج از جای جای دنیا، فرصتی است که می‌توان سیرت آن‌ها را آگاه کرد و به آن‌ها خوراک فکری درست داد تا موج عظیمی برای زمینه‌سازی انقلاب حضرت حجت^(ع) ایجاد شود، ان شاء الله! ...

کاظم روح‌بخش کیست؟

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدکاظم روح‌بخش، روحانی جوان و دغدغه‌مند مشهودی، است که همواره برای تبلیغ دین و تبیین ارزش‌های اسلامی و فرهنگ شیعی با زبان مخاطب‌پسند امر و نهی تلاش می‌کند؛ به همین دلیل است که صفحه او در شبکه اجتماعی اینستاگرام با شمارشایان توجهی دنبال‌کننده روبه‌رو شده است و کلیپ‌های وی بازنشر بسیاری در فضای رسانه دارد. خودش در بیوی اینستاگرام این‌طور نوشته است: «ما یک تیم هستیم که تلاشمون، تولید محتوای دینی به شکل متفاوت و خلاق و جوان‌پسند»... خودش در جایی گفته است در اوایل دوران طلبگی برایش سؤال بوده است که چرا طلاب و فضلا در برنامه‌های صداوسیما این قدر خشک موضوعات را بیان می‌کنند، درحالی‌که مخاطب امروز ما، نسل نوجوان و جوانی است که عموماً به یک فضای پرتحرک و صریح و به تعبیری بی‌پروا نیاز دارد؛ چیزی شبیه کار آقای قرائتی. تا اینکه با حضورش در صداوسیما متوجه شده است مشکل از طلاب و فضلا نیست؛ بلکه مشکل از سیستم است؛ یعنی این خود صداوسیماست که به طلاب می‌گوید نشوون خاصی را رعایت کنند و برایشان خط قرمز می‌گذارد. او که معتقد است هر قشر از مخاطب، فضای تبادل و تعامل خاص خودش را می‌طلبد، از آنجا که فضای صداوسیما را مناسب اجرای ایده خود نمی‌بیند، اقدام به حضور فعالانه و مؤثر در فضای مجازی کرده، با ساخت کلیپ‌های متنوع و موضوع‌محور، آن‌هم به زبان گیرا برای نسل امروز، طیف وسیع و گوناگونی از مخاطب را جذب کرده است.

زوم

